

مقام صحابه و یاران پیامبر اسلام از دیدگاه قرآن و سنت

عدالت صحابه، حقیقتی انکارناپذیر

بخش دوم

عبدالعزیز نعمانی



عدالت صحابه

عدالت اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و صحبه و سلم، از باورهای مهم و اساسی مذهب اهل سنت و جماعت است که قاطبه مسلمانان جهان پیرو این مذهب اند. واژه «سنت و جماعت»، بیانگر این مطلب است که اهل سنت و جماعت بعد از قرآن کریم، احادیث و سنت سنیه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و فهم و عمل اصحاب گرامی آن حضرت صلی الله علیه و سلم را پایه اعتقادات و اعمال و سایر مسائل و احکام دین می دانند؛ از این رو توثیق و عدالت اخلاقی و روایی اصحاب، اصلی بسیار مهم است. این نکته نیز قابل ذکر است که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم نه معصوم بوده اند (زیرا عصمت از مشخصه های ویژه و منحصر به فرد انبیا و پیامبران است) و نه فاسق (که نشانه سوءظن ها و سخنان ناروا قرار گیرند)، بلکه گرچه گاه از برخی از آنان بنا بر اقتضای طبیعت بشری، گناه و لغزش سر زده است اما آنان پس از اکتفاء، از عملکرد خویش بکلی نادم گشته و توبه صادقانه کرده اند، و خداوند نیز، به شهادت آیات قرآن کریم، آنان را مورد عفو و بخشش قرار داده است. از این رو اهل سنت و جماعت اعتقاد جازم دارند که هیچ یک از اصحاب پیامبر، بر اثر ارتکاب لغزش و گناهی که حتماً از آن توبه کرده اند، فاسق قلمداد نمی شوند، بلکه آنان همواره همچون ستارگان روشنگر، بر فراز راه هدایت و رستگاری درخشیده و تا قیام قیامت امت اسلامی را به سر منزل مقصود رهنمون شده و خواهند شد.

اعتقاد اهل سنت و جماعت:

به منظور توضیح و تبیین اعتقاد اهل سنت و جماعت درباره عدالت صحابه پیامبر صلی الله علیه و سلم بخشی از آرا و اقوال بزرگان اهل سنت، اعم از متکلمان، محدثان، فقها و مفسران را ذیلاً نقل می نمایم تا این اعتقاد کاملاً شفاف گردد.

۱- امام ابو عمر یوسف بن عبدالبر قرطبی (متوفی ۴۶۳ هـ) می فرماید:

«فهم خیر القرون و خیر أمة أخرجت للناس، ثبتت عدالة جميعهم بثناء الله عزوجل عليهم، و ثناء رسوله عليه السلام، و لا أعدل ممن ارتضاه الله لصحبة نبيه و نصرته و لا تزكية أفضل من ذلك و لا تعديل أكمل منه»^۱ «آنان مردمان بهتر قرن‌ها (در طول تاریخ اسلام) هستند و برترین گروهی هستند که به منظور دعوت و ارشاد مردم فرستاده شده اند. عدالت همگی آنان یا ستایش خداوند عزوجل و پیامبرش از آنان، به اثبات رسیده است. چه کسی عادلتر است از آنانی که خداوند آنان را برای هم نشینی و یاری پیامبرش برگزیده است، چه شهادت تزکیه ای بهتر از این، و چه گواهی عادلتری کاملتر از این (می توان تصور کرد).»

۲- امام الحرمین، ابوالمعالی عبدالملک جوینی (متوفی ۴۷۸ هـ) می فرماید:

«والذی یجب علی المعتقد أن یلتزمه، أن یعلم أن جلة الصحابة كانوا من رسول الله بالمحل المعبوط و المكان المحوط و ما منهم الا و هو منه ملحوظ محفوظ و قد شهدت نصوص الكتاب علی عدالتهم و الرضا عن جملتهم بالبيعة، بیعة الرضوان، و نص القرآن علی حسن الثناء علی المهاجرین و الانصار»^۲ «بر مسلمان معتقد واجب است



در مورد اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم پاک و سالم است. چنانکه خداوند آنان را این چنین توصیف می فرماید: «و کسانی (مؤمنانی) که پس از آنان (صحابه) و مسلمانان صدر اسلام آمده اند، می گویند: پروردگارا! ما و برادران مان را که در ایمان آوردن بر ما سبقت گرفته اند، بیامرز، و کینه ای نسبت به مؤمنان در دلهایمان قرار مده. پروردگارا! رفت و مهربانی تو بسیار است.» و به پیروی از دستور رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که می فرماید: «اصحاب مرا ناسزا مگویند، قسم به ذاتی که جانم در قبضه اوست، اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا اتفاق و صدقه نماید، به پادشاه یک یا نصف مد^(۱) (از عملکرد) آنان نخواهد رسید».

۵- علامه مسعود بن عمر تفتازانی (متوفی ۷۹۲ هـ) می فرماید:

«اتفق أهل الحق على وجوب تعظيم الصحابة والكف عن الطعن فيهم، سيما المهاجرين والأنصار، لما ورد في الكتاب والسنة من الثناء عليهم والتحذير عن الإخلاق باجلالهم: «الله! الله! في أصحابي، لا تتخذوهم غرضا من بعدى»؛ «لا تسبوا أصحابي»؛ «خير القرون، قرني»؛ ولو كانوا فسدوا بعده لما قال ذلك بل تبّه و كثير مما حكي عنهم افتراءات وما صح فله محامل وتأويلات»^(۲) «اهل حق در خصوص گرامیداشت صحابه و پرهیز از طعن زدن به آنان اتفاق نظر دارند، خسر صا در مورد میاجران و انصار که در قرآن و سنت مناقب آنان ذکر شده و (در حدیث) به پرهیز از تعرض به مقام شامخ آنان هشدار داده شده است. از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «از خدا بترسید درباره اصحاب من و آنان را پس از من هدف نسبت های ناروا قرار ندهید»؛ «اصحاب مرا ناسزا مگویند»؛ «بهترین و برترین قرن ها، قرن من است»؛ اگر چنانچه اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم پس از وفات ایشان، دچار انحراف می شدند، حتماً آن حضرت صلی الله علیه وسلم [با فراستی که از آن برخوردار بودند و با ارتباط ویژه ای که به منبع وحی و الهام داشتند] این موضوع را یادآور می شدند. و اما بسیاری از مطالبی که درباره صحابه پیامبر نقل می شود در واقع یا صحت ندارند و اگر بالفرض صحیح باشند قابل توجیه و تأویل اند».

پرداشتم ها از عدالت صحابه

اگر ما مفهوم عدالت صحابه را مورد بررسی بی طرفانه و منطقی قرار دهیم به همان نتیجه ای دست خواهیم یافت

تا بدانند که همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم از دیدگاه پیامبر در مقام قابل غبطه و خاصی قرار داشتند و هر یک از آنان مورد توجه و عنایت ویژه آن حضرت صلی الله علیه وسلم قرار داشتند. همانا نصوص قرآنی از عدالت صحابه و خشنودی خداوند از آنان در بیعت رضوان، خیر می دهند و قرائن نیز تصریح دارند که مهاجرین و انصار مورد حسن ستایش قرار داشته اند. ۳- امام ابو عمرو عثمان ابن الصلاح شهرزوری (متوفی ۶۴۳ هـ) می فرماید:

«للصحابة بأسرهم خصیصة وهي أنه لا يسأل عن عدالة أحد منهم بل ذلك أمر مفروع منه لكونهم على الإطلاق معدلين بتصوص الكتاب والسنة و إجماع من يعتد به في الإجماع من الأمة ثم ان الأمة مجمعة على تعديل جميع الصحابة و من لا یس الفتن منهم فکذلك باجماع العلماء الذین یعتد بهم فی الإجماع، احساناً للظن بهم و نظراً إلى ما تسهّل لهم من المآثر و كأن الله سبحانه و تعالی أتاح الإجماع على ذلك لكونهم نقلة الشريعة»^(۳) «همه اصحاب از امتیاز خاصی برخوردارند و آن اینکه عدالت هیچ یک از آنان مورد سوال قرار نمی گیرد، بلکه این مسئله ای قطعی تلقی می شود زیرا همه آنان علی الاطلاق، از دیدگاه نصوص قرآن، احادیث و اجماع کسانی که اجماع آنان قابل قبول و معتبر است، عادل اند. همانا امت اسلامی بر عدالت اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم اتفاق نظر دارد، اگر چه از کسانی باشند که در درگیریها (میان اصحاب پیامبر) شرکت داشته اند، همچنین این دیدگاه علمایی است که اجماع آنان قابل اعتبار است؛ این اعتقاد به خاطر حسن ظن و با توجه به فضایل و مناقب آنان است، و گویا تأیید الهی بوده تا عدالت آنان مورد اجماع قرار گیرد زیرا آنان ناقلان و پاسداران شریعت اسلامی بودند».

۴- شیخ الاسلام احمد بن تیمیه (متوفی ۷۲۸ هـ) می فرماید:

«و من أصول اهل السنة و الجماعة سلامة قلوبهم و ألسنتهم لأصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم كما وصفهم الله في قوله تعالی: «و الذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم» و طاعة للنبی صلی الله علیه وسلم فی قوله: «لا تسبوا أصحابی فوالذی نفسی بیده لو أن أحدکم اتفق مثل أحد ذهباً ما بلغ مداً أحدهم و لا نصیفه»^(۴) «از اصول اعتقادی اهل سنت و جماعت آنست که دلها و زبانهایشان از بغض و بدگویی!

✓ اهل سنت و جماعت اعتقاد جازم دارند که هیچ یک از اصحاب پیامبر، بر اثر ارتکاب لغزش و گناهی که حتماً از آن توبه کرده اند، فاسق قلمداد نمی شوند، بلکه آنان همواره همچون ستارگان روشنگر، بر فراز راه هدایت و رستگاری درخشیده و تا قیام قیامت امت اسلامی را به سر منزل مقصود رهنمون شده و خواهند شد.

که در بالا ذکر شده است.

با وجود این از عدالت صحابه چند برداشت وجود دارد:

الف: اینکه اصحاب و یاران پیامبر را همچون شخص پیامبر معصوم بدانیم و معتقد باشیم که آنان از هر گونه خطا و لغزشی مصون بوده‌اند. مسلماً چنین برداشتی با آیات قرآن و سیرت صحابه در تضاد و کاملاً مبالغه آمیز است و نمی‌توان آن را درست پنداشت. ضمن اینکه از دیدگاه اهل سنت، تعمیم بحث عصمت به اشخاصی پس پیامبر خاتم، ناقض اصل خاتمیت است.

ب: اینکه صرفاً عده انگشت شماری از اصحاب را عادل دانسته و معتقد باشیم که بقیه اصحاب در زندگی عملی و مسائل سیاسی و اجتماعی بر خلاف مقتضای احکام اسلامی عمل کرده و از این جهت مرتکب گناهانی نابخشودنی شده باشند، تا آنجا که بتوان آنان را مرتد، منافق و یا فاسق خواند! این نظر نه تنها با آیات نازل شده در خصوص فضایل و ویژگیهای اصحاب پیامبر اسلام و اظهار رضایت خداوند از آنان، همچنین روایاتی که در مناقب آنان از حضرت پیامبر نقل شده است، در تضاد است، بلکه به نوعی تشکیک در موفقیت پیامبر خاتم صلی الله علیه و سلم در اهداف بعثت نیز هست.

برخی آگاهانه و یا ناآگاهانه پاره‌ای از آیات قرآن را که در مورد منافقان نازل شده است با تحریف شأن نزول و یا تأویل مفهوم و معانی آیات، به اصحاب بزرگوار پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نسبت می‌دهند؛ یا اینکه خلفای راشدین را غاصب خلافت و دشمن اهل بیت می‌خوانند؛ ام‌المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها و برخی از «عشره مبشره» از جمله حضرت طلحه و زبیر رضی الله عنهما را صرفاً به خاطر رودرویی آنان با حضرت علی رضی الله عنه در واقعه «جمل»، عادل نمی‌دانند و آماج سخنان ناروا قرار می‌دهند؛ در حالیکه این گروه از اصحاب، از مهاجرین اولین و اهل بدر و حدیبیه هستند که در قرآن بشارتهای متعددی در مورد آنان آمده است و پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در احادیث متعددی از فضایل و مناقب آنان سخن گفته و به آنان بشارت بهشت داده است.

این دیدگاه و طرز تفکر آسیب‌های بسیاری را به همراه داشته که امت اسلامی تا حال نتوانسته خود را از تبعات آن خلاص کند و به معنای واقعی به وحدت و انسجام برسد.

ج: اینکه عدالت اصحاب را قابل تفکیک بدانیم و به دو بخش عدالت روایی و عدالت اخلاقی تقسیم نمایم، در نتیجه عدالت آنان را در نقل آیات قرآن و روایت احادیث نبوی محرز و قطعی بدانیم، اما در زندگی عملی و سلوک اخلاقی شان با دیده تردید بنگریم و خطا و لغزشهای انسانی شان را برجسته کنیم و آنان را مورد سوءظن‌ها و اتهام‌های ناروا قرار دهیم؛ غافل از اینکه چنین دیدگاهی نیز نتیجه‌ای جز تردید در پذیرش عدالت آنان و تشکیک در صحت

روایات شان نخواهد داشت.

د: دیدگاه چهارم این است که معتقد باشیم اصحاب از نظر ایمان و عمل بر سایر افراد امت برتری فوق‌العاده‌ای داشته‌اند، چه آنان نخستین کسانی بودند که دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم را بلیک گفتند و در سخت‌ترین شرایط با مال و جان خویش به یاری دین اسلام پرداختند و سراسر عمرشان را در جهت نیل به رضایت خداوند و پیامبرش و گسترش آیین جهان‌شمول اسلام صرف نمودند، و امت اسلامی تا قیام قیامت و امدار مجاهدتها و جانفشانی‌های آنان است و همواره باید از آنان ممنون باشد و تقدیر کند و در دام بدبینی و سوءظن به آنان نیفتد.

چنانکه ذکر آن گذشت، این بدان معنا نیست که آنان را معصوم و مصون از خطا و لغزش بدانیم، بلکه آنان نیز همچون هر انسان غیر معصومی دچار خطا و لغزش شده‌اند اما شخصیت آنان چنان در مکتب نبوت پرورش یافته که پس از هر خطا و لغزشی حتماً با توبه و انابت، موجبات خشنودی خدای عزوجل را فراهم آورده‌اند. آیات و روایات در این باب به قدری زیاد است که نقل آنها از حوصله این نوشتار خارج است. بنابراین فسق و بی‌عدالتی به ساحت گرامی اصحاب پیامبر راه ندارد و اگر منصفانه و به دور از تعصب‌های مذهبی و سیاسی روایات اسلامی و سیرت صحابه را مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم، به‌جز یکی دو اشکال قابل حل در این خصوص، به چیز دیگری بر نمی‌خوریم.

این دیدگاه، دیدگاه اکثریت غالب مسلمانان جهان و پیروان مذهب اهل سنت و جماعت است. اهل سنت و جماعت این رویه را صحیح‌ترین و پذیرفته‌ترین اعتقاد نسبت به صحابه و یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم، و خلاف آن را اجحاف در حق آن بزرگواران، و سبب افتادن امت اسلامی در دام اختلافات لاینحل می‌دانند.

عدالت صحابه، حقیقتی انکارناپذیر:

عدالت صحابه را مبالغه آمیز خواندن و برای مخدوش و نادرست جلوه دادن این باور صحیح و منطقی به طرح شبهات پرداختن، کوششی بیهوده و ایتر است. با این وجود، اگر این گونه ادعاها مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند بی‌اساس بودنشان کاملاً به اثبات می‌رسد و هیچ گونه تردیدی در اعتقاد به عدالت صحابه باقی نمی‌ماند.

۱) از وظایف مهم بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آن بود که همه جهانیان را به دین ابدی اسلام فراخواند، و در این راستا وظیفه داشت تا در جهت اصلاح و تزکیه اولین مخاطبانش سعی وافر نماید. چنانکه خداوند می‌فرماید: «هو الذی یمت فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» [جمعه: ۲]؛ اوست کسی که در میان



حقایق اسرار و اهداف شوم آنان را بر ملا ساخت؛ چنانکه می فرمود:

«و یحلفون بالله انهم لمنکم و ما هم منکم و لکنهم قوم یفترقون لوی یجدون ملجأ أو مغرات أو مدخلأ لولوا الیه و هم یجمعون و منهم من یلمزک فی الصدقات فان اعطوا منها رضوا و ان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون» (توبه: ۵۶-۵۸)؛ به خدا سوگند می خورند که آنان از شمایند، در حالی که از شما نیستند و گروهی هستند که می ترسند؛ اگر پناهگاهی یا غارهایی پیدا کنند شتابان بدانجا می روند، در میان آنان افرادی هستند که در تقسیم زکات از تو عیبجویی می کنند و ایراد می گیرند، اگر به آنان چیزی از غنائم داده شود خشنود می شوند و اگر چیزی به آنان داده نشود ناگاه خشم می گیرند.»

«یعتذرون الیکم اذا رجعت الیهم قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم قد نینا ان الله من اخیارکم» (توبه: ۹۴)؛ وقتی به سوی آنان برگردید، ایشان شروع به عذرخواهی می کنند. بگو عذرخواهی نکنید ما هرگز گفته های شما را باور نخواهیم کرد. خداوند ما را از احوالتان آگاه ساخته است.

برخی با سوءاستفاده از عدم آگاهی عموم مردم به تحریف شأن نزول و معانی و مصداق این نوع آیات قرآنی می پردازند و چنین وانمود می کنند که این آیات درباره اصحاب پیامبر نازل شده اند. چنین روشی اگر به غیر عمد انجام می گیرد ناگاهی از تفسیر و مفهوم قرآن است که هیچ گونه ارزش علمی و تحقیقی ندارد؛ اما اگر کسی مصداق آیاتی را که در مورد منافقان نازل شده اند، اصحاب پیامبر می داند و از روی عمد چنین کاری را انجام می دهد بدون تردید عینک تعصب و غرض ورزی بر چشم دارد و نمی خواهد در مقابل حقیقت تسلیم شود که چنین روشی ستمی آشکارا و اجحافی عظیم در حق اصحاب پیامبر اسلام محسوب می شود. برای داوری و بطلان چنین قضاوت یکطرفه ای به آیات ذیل توجه نمایید؛ خداوند در سوره توبه در مورد ماهیت مؤمنان و سپس منافقان می فرماید:

«و السابقون الأولون من المهاجرین و الأنصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و أعد لهم جنات تجری تحتها الأنهار خالدین فیها أبدا ذلک الفوز العظیم و ممن حولکم من الأعراب منافقون و من أهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخر سئاً عسی الله ان یتوب علیهم ان الله غفور

درس ناخواندگان رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند و آنان را پاک و تزکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزاند. گرچه پیش از این در گمراهی آشکاری بودند.

حال اگر ادعا شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در مدت ۲۳ سال بعثت از جمع کثیر یاران و مخاطبانش، فقط موفق شد افراد انگشت شماری را تزکیه و تربیت کند و کتاب و حکمت بیاموزاند، نتیجه چنین ادعایی جز این نخواهد بود که اهداف بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه وسلم عقیم مانده و ایشان در دعوت خویش ناموفق بوده اند! مسلماً چنین ادعایی خلاف واقع و ظلمی عظیم در حق دین اسلام و پیامبر خاتم صلی الله علیه وسلم است.

۲. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حالی وفات نمودند که دین اسلام، فراتر از شبه جزیره عربستان گسترش نیافته بود و با وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم تعداد انبوهی از قبایل تازه مسلمان عرب، مرتد شدند و اوضاع چنان وخیم شد که بیم آن می رفت که بساط اسلام بکلی برچیده شود، اما در چنان وضعیتی خلیفه آن حضرت، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، و دیگر اصحاب ایشان اعم از مهاجرین و انصار شمشیر به دست گرفته و برای پیشبرد اهداف دین اسلام و پاسداری از مقاصد بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با مرتدین به مبارزه پرداختند. از آن پس نیز همواره در فکر جهاد و گسترش اسلام بودند تا آنکه جانشین دوم رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، عمر فاروق رضی الله عنه، دو امپراطوری بزرگ ایران و روم را شکست داد و اصحاب موفق شدند تا دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم را به اقصی نقاط جهان برسانند. آیا متصفانه است کسانی را که تمام وجودشان را در راه اسلام فدا نمودند، متهم نماییم که پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به فرامین الهی پشت کردند و به خاطر منافع دنیوی و اغراض شخصی دستورات آن حضرت صلی الله علیه وسلم را به هیچ انگاشتند و به ظلم و ستم و خیانت روی آوردند؟!

۳. در مدینه منوره دسته ای بودند که ظاهراً تسلیم آیین اسلام شده بودند و در جرگه مسلمانان قرار گرفته بودند، اما یافته انگیزی و سرپیچی از اوامر پیامبر اسلام و عدم حضور در جهاد و سازشکاری با دشمنان، متناقض خوانده می شدند؛ خداوند عزوجل در آیات متعددی از قرآن کریم نقاب از چهره کریمه این منافقان برداشت و

از دیدگاه اهل سنت، تعمیم بحث عصمت به اشخاصی پس پیامبر خاتم، ناقض اصل خاتمیت است.

امت اسلامی تا قیام قیامت و امدار مجاهدتها و جانفشانی های آنان است و همواره باید از آنان ممنون باشد و تقدیر کند و در دام بدبینی و سوءظن به آنان نیفتند.

رحیم» [توبه: ۱۰۰-۱۰۲]؛ پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به تیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خشنود شد و (آنان نیز) از او خشنود شدند. و خداوند برای آنان بهشت را مهیا ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای) آن رودخانه ها جاری است و جاودانه در آنجا می مانند این است پیروزی بزرگ. در میان عربهای بادیه نشینی که پیرامون شما هستند و برخی از اهل مدینه منافق اند که بر نفاق خو گرفته اند. تو آنان را نمی شناسی. ما آنان را می شناسیم. دو بار آنان را عذاب خواهیم داد، آنگاه به عذابی بزرگ بازگردانده می شوند. و دیگرانی (هستند) که (نه از پیشگامان نخستین و نه از منافقین به شمار می آیند) به گناهان خود اعتراف کردند و کارهای خوب را با کار بد در آمیخته اند، امید است که خداوند توبه آنان را بپذیرد. بی گمان خداوند آمرزنده مهربان است.

براستی پیشگامان اسلام در هجرت، اتفاق، شرکت در جهاد، نصرت و یاری پیامبر صلی الله علیه و سلم چه کسانی بوده اند؟ هر کس هر توجیه و تأویلی بکند نمی تواند بزرگان صحابه از جمله حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرت عثمان، حضرت علی، حضرت طلحه، حضرت زبیر، حضرت ابو عبیده، حضرت عبدالرحمن بن عوف، حضرت سعد، حضرت سعید، ازواج مطهرات و تعداد کثیری از صحابه را که در غزوه بدر، احد، احزاب، صلح حدیبیه و غزوه تبوک شرکت جستند از لیست مهاجرین و انصاری که پیشگامان دین اسلام محسوب می شوند خارج کند. اما متافقان مدینه به سرکردگی عبدالله بن ابی که افرادی سودجو، اخلاق گر و دشمن اسلام بودند، کاملاً مشخص اند. این افراد در هیچ جنگی پیامبر را همراهی نمی کردند و حاضر نبودند حتی عرقی در راه اسلام بریزند. یکبار که عبدالله بن ابی با سیصد و اندی نفر در غزوه احد شرکت جست، از میانه راه بازگشت. از این رو حساب ایشان از حساب اصحاب فداکار و ایثارگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم کاملاً جدا است.

در ادامه آیه، خداوند به افرادی اشاره می فرماید که در سالهای پایانی بعثت پیامبر، اسلام آوردند و از آن پس به یاری اسلام روی آوردند، گرچه این افراد پرونده های سنگینی داشتند اما رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اسلام آنان را پذیرفت و خداوند نیز آنان را مورد عفو و بخشش قرار داد.

۴) بدون تردید اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم معصوم نبودند و بنا بر تقاضای فطری و بشری گاهی اوقات دچار اشتباه و یا ارتکاب گناه می شدند، اما این مسئله باعث نمی شود که آنان برای همیشه از رحمت های الهی طرد شوند و هرگز بخشوده نشوند. از دیدگاه قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم آنان مورد عفو و بخشش خداوند قرار گرفته اند و اعمال نیک آنان سبب کفاره گناهان آنان شده و توبه شان به درگاه الهی پذیرفته شده است:

«لقد تاب الله على النبي و المهاجرين و الأنصار الذين اتبعوه في ساعة العسرة من بعد ما كاد يزيغ قلوب فريق منهم ثم تاب عليهم انه بهم رؤوف رحيم و على الثلاثة الذين خلفوا حتى اذا ضاقت عليهم الأرض بما رحبت و ضاقت عليهم أنفسهم و ظنوا أن لا ملجأ من الله الا اليه ثم تاب عليهم ليتوبوا ان الله هو التواب الرحيم» [توبه: ۱۱۷-۱۱۸]؛ خداوند توبه پیامبر و مهاجرین و انصار را پذیرفت، آنانی که در روزگار سختی از پیامبر پیروی کردند بعد از آنکه دل های دسته ای از آنان اندکی مانده بود که منحرف شود باز هم خداوند توبه آنان را پذیرفت چرا که او بسیار رؤف و مهربان است. خداوند توبه آن سه نفر را که واپس نهاده شدند نیز می پذیرد. تا بدانجا که زمین با همه فراخی بر آنان تنگ شد و دل های شان بهم آمد و دانستند که هیچ پناهگاهی از خدا جز به سوی او وجود ندارد. آنگاه خداوند بر آنان رجوع کرد بی گمان خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

مولانا مفتی محمد شفیع عثمانی، مفتی اعظم اسبق پاکستان و مؤلف تفسیر گرانسنگ معارف القرآن، در تشریح آیه مزبور می فرماید: مفهوم این آیه، آن است که قرآن تضمین کرده اگر احياناً فردی از صحابه، اعم از سابقین و متأخرین، در طول زندگی مرتکب گناهی شود بر جرم گناهش پایدار نخواهد ماند بلکه او توفیق توبه می یابد و به طفیل ارادت و محبتش به حضرت پیامبر و خدمات ارزنده ای که در راستای یاری اسلام انجام داده و به برکت حسناش، خداوند او را معاف خواهد نمود. و وفات هیچ یک از آنان فراتر نخواهد رسید مگر اینکه خداوند گناهانش را آمرزیده باشد. به همین دلیل کسی حق ندارد آنان را فاسق یا ساقط العداله بخواند. با آنکه در هنگام ارتکاب گناه، احکام و حدود اسلامی بر آن اجرا می شود و آن عمل در نوع خود نیز «فسق» تلقی می گردد، چنانکه در آیه شریفه «ان جاءکم فاسق بنباء» آمده است، اما از آنجایی که توبه و آمرزش آنان از نص قرآن مفهوم می گردد، فاسق خواندن آنان در هیچ صورتی جایز نیست.^(۳)

برخی به اتفاقی که در غزوه احد افتاد نیز برای نقض مسئله عدالت صحابه استناد می کنند، در حالی که خداوند عز و جل می فرماید: «ان الذين تولوا منكم يوم النقي الجمعان انما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبوا ولقد عفا الله عنهم ان الله غفور حلیم» [آل عمران: ۱۵۵]؛ آنان که در روز رویارویی دو گروه (مسلمانان و کافران در جنگ احد) فرار کردند، بی گمان شیطان به سبب برخی از عملکردشان آنان را به لغزش انداخت و همانا خداوند آنان را بخشید چرا که خداوند آمرزنده و بردبار است.

پرواضح است که خداوند در این آیه آمرزش و مغفرت خویش را نسبت به عملکرد آن دسته از اصحاب که در غزوه احد مرتکب لغزشی شدند، اعلام می دارد، لذا تأویل و تحریف این قضیه و اثبات جرم برای اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم کاری کاملاً غیر عقلانی و غیر منطقی است.



حاطب، از وی نزد پیامبر شکایت کرد و گفت: ای رسول خدا، یقیناً حاطب به آتش (جهنم) داخل خواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «دروغ گفتی! او به آتش داخل نخواهد شد، زیرا در جنگ بدر و صلح حدیبیه حضور داشته است».

داستان اعتراف معاذ بن مالک به زنا و جاری شدن حد شرعی بر ایشان و پذیرش توبه اش دلیل دیگری بر این مدعاست. حضرت معاذ مصرانه از پیامبر گرامی اسلام تقاضای اجرای حد می کرد و می گفت: «یا رسول الله طهرنی!»؛ ای رسول خدا مرا (با اجرای حد شرعی) پاکیزه بگردان!

پس از آنکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چندین بار از او پرسید که آیا برآستی مرتکب زنا شده ای؟ و او می گفت: آری! رسول خدا صلی الله علیه وسلم دستور دادند تا حد شرعی بر او جاری شود. پس از این واقعه، مردم در مورد فرجام معاذ بن مالک سخنان متفاوتی اظهار کردند. برخی می گفتند او هلاک شد. برخی دیگر می گفتند او توبه صادقانه کرده است. تا آنکه پس از گذشت چند روز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برای معاذ بن مالک طلب آمرزش نمایید». اصحاب با تعجب پرسیدند: آیا خداوند معاذ بن مالک را بخشیده است؟! رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در پاسخ آنان فرمودند: «لقد تاب توبه لو قسمت بین أمة لوسعتم!»؛ او چنان توبه ای کرده است که اگر در بین امتی تقسیم گردد (برای نجات) همه آنان کافی است.

از این قبیل واقعات موارد بسیاری را می توان در قرآن کریم، احادیث نبوی و سیرت صحابه یافت که همه آنها به وجود داعیه و انگیزه ای بسیار قوی در وجود اصحاب پیامبر برای توبه و انابت به سوی خدا، پس از ارتکاب هر خطا و لغزش، دلالت دارد. و این گونه است که آنان هم رضایت و غفران الهی را شامل حال خود کرده اند و هم سیرت و سلوکی نمونه و درخشان را برای احاد امت اسلامی از خود به جای گذاشته اند.

برخی ایراداتی را درباره عدالت ولید بن عقبه مطرح می نمایند و ادعا می نمایند که آیه: «یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بینه فنیوا ان تصیوا قوماً بیحالة» [احجرات: ۶] در مورد وی نازل شده است، پس اگر او عادل است چرا فاسق خوانده شده است؟

در پاسخ به این ایراد باید بگوییم: اولاً: در مجموعه آیات قرآنی و احادیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فقط در همین یک مورد، تصریح به

عامه اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که در لیست مهاجرین و انصار و شرکت کنندگان در غزوات مختلف داخل اند به بشارت های قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم برای همیشه مورد رضایت و آمرزش خداوند قرار گرفته اند. در آغاز عملیات فتح مکه، یکی از اصحاب پیامبر به نام حاطب بن ابی بلتعنه، به خاطر پاره ای از مصالح شخصی، نامه ای به سران قریش در مکه نوشت تا آنان را از تهاجم پیامبر به مکه آگاه سازد. وی نامه را به زنی داد تا به مکه برساند. آن زن نامه را در لابه لای گیسوهایش پنهان کرد و به راه افتاد. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از طریق وحی از این موضوع اطلاع یافت و بلافاصله حضرت علی، زبیر بن عوام، مقداد و ابو مرثد غنوی را برای دستگیری حامل نامه اعزام کرد و فرمود: «بروید تا به روضه خاخ برسید، در آنجا زنی را در حال سفر خواهید یافت که حامل نامه ای به سوی قریش است». آنان به راه افتادند و پس از گرفتن نامه نزد پیامبر بازگشتند. آنگاه پیامبر اسلام به دنبال حاطب فرستادند و به او گفتند: این چیست ای حاطب؟ حاطب گفت: ای رسول خدا درباره من شتاب روا مدارید! به خدا قسم من به خدا و رسول او ایمان دارم آنه مرتد شده ام و نه دین و آئین خود را تغییر داده ام! خانواده من در مکه است و من در آنجا خویشاوندی ندارم که از خانواده من حمایت کنند. من با این اقدام می خواستم اهل مکه خانواده و بستگرم را مورد حمایت قرار داده و آسیب به آنان نرسانند. ضمن اینکه می دانستم آنان دچار گرفت الهی خواهند شد و نامه من چیزی را از آنان دفع نخواهد کرد. ^(۸) حضرت عمر بن خطاب گفت: ای رسول خدا! اجازه دهید گردش را بزیم، وی به خدا و پیامبرش حیانت کرده و نفاق ورزیده است! رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «انه قد شهد بدرأ و ما یدریک یا عمر؟ لعل الله قد اطلع علی اهل بدر فقال: «اعملوا ما شئتم فقد غفرت لکم»! وی در جنگ بدر شرکت داشته است، تو چه می دانی ای عمر! خداوند حتماً از فرجام بدریان مطلع بوده که فرموده است: «هر چه می خواهید انجام دهید، من شما را آمرزیده ام». در این هنگام اشک از چشمان حضرت عمر رضی الله عنه جاری شد و گفت: خدا و رسولش بهتر می دانند.

در روایتی دیگر آمده است: «ان عبد الحاطب جاء رسول الله صلی الله علیه وسلم یشکوا حاطباً فقال: یا رسول الله لیدخلن حاطب النار! فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «کذبت لا یدخلها، فانه قد شهد بدرأ و الحدیبیه»! «غلام

برآستی
پیشگامان اسلام
در هجرت، انفاق،
شرکت در جهاد،
نصرت و یاری
پیامبر صلی الله
علیه وسلم چه
کسانی بوده اند؟
هر آکس هر
توجه و تأویلی
بکنند نمی تواند
بزرگان صحابه از
جمله حضرت
ابوبکر، حضرت
عمر، عثمان،
علی، حضرت
طلحه، حضرت
زبیر، حضرت
ابوعبیده، حضرت
عبدالرحمن بن
عوف، حضرت
سعد، حضرت
سعید، ازواج
مطهرات و تعداد
کثیری از صحابه
را که در غزوه
بدر، احد، احزاب،
صلح حدیبیه و
غزوه تبوک
شرکت جستند از
لیست مهاجرین
و انصاری که
پیشگامان دین
اسلام محسوب
می شوند خارج
کند.

«فسق» وجود دارد، اما در مقابل آیات متعدد و احادیث بی شماری درباره فضایل و مناقب اصحاب آمده است و به خاطر این یک مورد مشخص، نمی توان عدالت همه اصحاب را زیر سؤال برد؟! این یک مورد از کسانی است که بعد از فتح مکه ایمان آوردند. وی تا آن هنگام تحت تأثیر کامل ایمان و مصاحبت پیامبر صلی الله علیه و سلم قرار نگرفته بود و قرآن تحت عنوان فاسق از وی یاد کرد. اما همین فرد، پس از وفات آن حضرت صلی الله علیه و سلم، در کنار دیگر صحابه، رشادتها و خدمات بزرگی را در راه شکوفایی و گسترش دین اسلام انجام داده و ماباور داریم که او مستحق عفو و بخشش خدای عزوجل قرار گرفته است. امام شمس الدین ذهبی درباره وی می فرماید: «وکان مع فسقه - والله یسامحه - شجاعاً قائماً بامر الجهاد»^(۱)؛ او با آنکه مرتکب فسق شده بود - و خداوند از او درگذرد - شجاع بود و به امر جهاد پرداخت.

حافظ احمد بن حجر عسقلانی می فرماید: «کانت ولایة الولید الکوفة سنة خمس و عشرين، وکان فی سنة ثمان و عشرين غزاً و ذریبایجان و هو امیر القوم»^(۲)؛ ولایت ولید بر کوفه در سال بیست و پنجم هجری بود، و در سال بیست و هشتم هجری به جهاد در سرزمین آذربایجان مأموریت یافت و عهده دار امیری لشکر (مسلمانان) شد. این روایات بیانگر آن است که ولید مورد اعتماد بزرگان صحابه قرار گرفت. حضرت عمر رضی الله عنه در زمان خلافت خویش او را به جمع آوری صدقات «بنی تغلب» گماشت. در واقع این صحابی در شمار کسانی قرار گرفت که خداوند درباره شان می فرماید: «و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخر سئئاً عسی الله ان یتوب علیهم ان الله غفور رحیم»^(۳)؛ توبه: ۲۰۲؛ و دیگری (هستند) که (نه از پیشگامان نخستین و نه از متاخرین به شمار می آیند) به گناهان خود اعتراف کردند و کارهای خوب رایا کارید در آمیخته اند، امید است که خداوند توبه آنان را بپذیرد. بی گمان خداوند آمرزنده مهربان است.

ثانیاً: خداوند همت زندگان را نیز فاسق می خواند اما آنان را از رحمتهای خویش طرد نمی نماید، چنانکه می فرماید: «و الذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً و أولئک هم الفاسقون الا الذین تابوا من بعد ذلك و أصلحوا فان الله غفور رحیم»^(۴)؛ انور: ۴-۵؛ کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند، سپس چهار گواه نمی آورند، به آنان هشتاد تازیانه بزنید و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید و چنین کسانی فاسق هستند، مگر کسانی که (از چنین کاری) توبه کنند چرا که خداوند آمرزگار و مهربان است.

ثالثاً: خداوند در سوره حجرات می فرماید: اگر فاسقی برایتان خبری آورد «فتبیتوا» آن را تحقیق و تبیین نمایید، و نمی فرماید: «فلا تقبلوه»، یعنی آن را هرگز قبول نکنید. جمعی از علمای علم اصول برای «حجیت خبر واحد» نیز به این آیه استدلال کرده اند

چرا که آیه می گوید که تحقیق و تبیین در خبر «فاسق» لازم است و مفهوم آن این است که اگر شخصی «عادل» خبری دهاند بدون تحقیق می توان آن را پذیرفت. با وجود این از ولید بن عقیله حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت نشده است. در روایت از وی در کتابهای حدیث وجود دارد که آنها هم در مورد خود وی است.

با توضیحاتی که در مورد ولید بن عقبه بیان شد، عسقلانی تأثیری در اخذ احکام و شرایع اسلامی از طریق صحابه صحیحین صلی الله علیه و سلم ندارد و همه شان در مقام عدالت قرآن دارند. خلاصه آنکه آیات قرآن و احادیث نبوی بیانگر آنند که خطاهای لغزشهای اصحاب مورد آموزش قطعی خداوند عزوجل قرار گرفته است، به گونه ای که هیچ یک از آنان سزاوار عذاب الهی نمی گردند و این حقیقتی است که قاطبه مسلمانان جهان در طی سده های اخیر از حیات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم تا حال حاضر به آن باور داشته و دارند، و همانا این باور رمز اتحاد و انسجام امت اسلامی در طول تاریخ اسلام بوده و خواهد بود.



فهرست کتب مورد استناد

۱. ابن عبدالبر، قرطبی، الاستیعاب فی أسماء الأصحاب، ج ۱، ص: ۷، دار الفکر، ۱۳۳۲ هـ.
۲. امام الحرمین، ابوالمعالی، کتاب الارشاد الی قواطع الأدلة فی اصول الاحکام، ص: ۳۶۲، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۱۳ هـ.
۳. ابن الصلاح، علوم الحدیث، ص: ۲۹۵-۲۹۶، دار الفکر المعاصر، ۱۳۸۶ هـ.
۴. ابن تیمیة، شرح العقیدة الواسطیة، ص: ۱۵۸-۱۵۷، مؤسسة الکتب للطباعة و النشر، ۱۴۰۷ هـ.
۵. واحد اندازه گیری وزن که اندازه آن در زمان ها و مکان های مختلف متفاوت بوده از جمله در بعضی نواحی حدود ۶۰۰ گرم بوده است. (فرهنگ بزرگ سنج، جلد ۱، ص: ۶۸۰۶)
۶. تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، ج ۵، ص: ۲۰۳، عالم الکتب، ۱۳۹۱ هـ.
۷. عثمانی، مفتی محمد شفیع، مقام صحابه، ص: ۹۲، ترجمه مولانا عبدالرحمان سید زوی، انتشارات صدیقی، ۱۳۷۲ هـ.
۸. السیرة الحلبیة، ج ۲، ص: ۲۰۰، دار احیاء التراث العربی.
۹. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۵، ص: ۱۰۶، روایت شماره ۲۷۲۴، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ هـ.
۱۰. مسلم، الجامع الصحیح، ج ۴، ص: ۱۲۴۱، روایت شماره ۲۲۹۵/۲۲۹۸، دار الحدیث القاهره، ۱۴۱۲ هـ.
۱۱. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص: ۲۱۵، مؤسسة الکتب العلمیة، ۱۳۸۳ هـ.
۱۲. عسقلانی، احمد بن علی ابن حجر، الاصابه فی تملیح الصحابه، ج ۳، ص: ۱۸۱، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۳ هـ.